



## هبه

## هبه

س ۱۷۱۵. آیا شرعاً تصرف در هدیه ای که یتیم غیر بالغ اهدا می کند جایز است؟

ج. منوط به اجازه ولی شرعی اوست.

س ۱۷۱۶. دو برادر در قطعه زمینی شریک هستند و یکی از آنان سهم خود را به پسر برادربزرگش به صورت هبه معوض بخشیده و تحویل او داده است، آیا فرزندان هبه کننده، حق دارند بعد از فوت پدرشان ادعای ارث در آن مقدار از زمین را بکنند؟

ج. اگر ثابت شود برادری که فوت کرده سهم خود در آن زمین را در حال حیات به پسر برادرش بخشیده و تحویل او داده و آن را تحت اختیارش گذاشته است، ورثه او بعد از مرگش حقی در آن ندارند.

س ۱۷۱۷. شخصی برای پدرش در زمین او خانه ساخته و با اجازه او در زمان حیاتش طبقه ای را هم برای خودش بنا کرده است، با توجه به این که آن شخص چند سال بعد از وفات پدرش فوت کرده است و هیچ گونه وصیت یا سندی هم که دلالت بر هبه یا کیفیت تصرف در آن بکند وجود ندارد، آیا طبقه دوم ملک اوست و بعد از موت به ورثه او منتقل می شود؟

ج. اگر فرزند، مخارج ساخت طبقه دوم را که در تصرف او قرار دارد، داده باشد و در طول حیات پدرش بدون وجود منازعی در اختیار او بوده، شرعاً حکم به ملکیت او می شود و بعد از فوت هم جزء ترکه او محسوب می گردد و برای ورثه اوست.

س ۱۷۱۸. پدرم در زمانی که یازده سال داشتم، یکی از خانه های خود را به طور رسمی به نام من کرد و یک زمین و نصف خانه ای را هم به نام برادرم و نصف دیگر آن را به اسم مادرم نمود، بعد از وفات پدرم سایر ورثه ادعا کردند که خانه ای که پدرم به نام من ثبت کرده است، شرعاً ملک من نیست، آنان مدعی هستند که پدرم برای جلوگیری از مصادره خانه، آن را به اسم من کرده است و در عین حال اعتراف می کنند که املاکی که به اسم برادر و مادرم نموده، ملک آنان می باشد، با توجه به این که پدرم وصیتی نکرده و شاهدهی هم بر این مسأله وجود ندارد، حکم چیست؟

ج. آن چه که پدر از املاک خود در زمان حیاتش به بعضی از ورثه هبه کرده و تحویل او داده و برای ثبوت این موضوع، سند رسمی آن را نیز به نام وی نموده، شرعاً ملک اوست و سایر ورثه، حق مزاحمت او را ندارند مگر آن که به طریق معتبری ثابت کنند که پدرشان آن ملک را به او نبخشیده و ثبت سند رسمی به نام او صوری بوده است.

س ۱۷۱۹. هنگامی که شوهرم مشغول خانه سازی بود، من هم به او کمک می کردم و همین، باعث تقلیل هزینه های آن و تمام شدن ساخت خانه شد، خود او هم چند بار گفت که من با او در خانه شریک هستم و بعد از پایان کار یک سوم آن را به نام من ثبت خواهد کرد، ولی او قبل از انجام این کار فوت نمود و الآن هم هیچ سند و وصیتی که ادعای مرا ثابت کند در اختیار ندارم، حکم این مسأله چیست؟



ج. صرف کمک و یاری در ساخت خانه یا مجرد وعده به این که شما را در خانه شریک خواهد کرد، باعث شراکت در ملک آن نمی شود، بنا بر این تا از طریق معتبر ثابت نشود که همسر شما قسمتی از خانه را در زمان حیات خود به شما بخشیده است غیر از سهم ارث خود حقی در آن ندارید.

س ۱۷۲۰. شوهرم در حالی که از سلامت عقلی برخوردار بود مسئول بانک را خواست و پولی را که در حساب بانکی اش بود به من هبه کرد و سندی را که حق برداشت با من باشد امضا نمود به طوری که رئیس بیمارستان و مسئول بانک شاهد آن بودند و بر همین اساس بانک به من دسته چک داد و در طول ماه مبلغی را از آن برداشت کردم، بعد از گذشت یک ماه و نیم پسرش او را به بانک برد و در آن جا در حالی که فاقد شعور و ادراک بود، از او پرسیدند که آیا آن مال برای همسرت است؟ او با سر جواب مثبت داد، دوباره از او سؤال کردند که آیا آن مال برای فرزندان است؟ که به همان صورت جواب مثبت داد. آیا آن مال برای من است یا ملک فرزندان شوهرم می باشد؟

ج. از آن جا که در هبه، قبض، شرط حصول ملکیت است و مجرد امضا سند و دریافت چک برای قبض مالی که در بانک پس انداز شده کافی نیست، لذا صرف امضا و دریافت چک موجب حکم به صحت این هبه نمی شود، بنا بر این آن چه را با اجازه شوهرتان و در حال سلامت عقلی او از بانک گرفته اید، مال شماست و آن چه که از اموال شوهرتان در بانک مانده، بعد از فوت او از ترکه اش محسوب می شود و برای ورثه اوست و اقرار او در زمان فقدان ادراک، اعتباری ندارد و اگر در این زمینه قانونی وجود داشته باشد متبع است.

س ۱۷۲۱. آیا چیزهایی که فرزندان در زمان حیات مادرشان برای او می خردند تا از آن ها استفاده کند، از اموال شخصی او محسوب می شود به طوری که بعد از وفاتش از ترکه او محسوب شود؟

ج. اگر فرزندان، اشیاء مذکور را به مادرشان بخشیده و در اختیار او گذاشته باشند، ملک شخصی مادرشان است و بعد از وفات او جزء ترکه اش محسوب می شود.

س ۱۷۲۲. آیا زیورآلات طلا که شوهر برای همسرش می خرد، از اموال شوهر محسوب شده و بعد از وفاتش جزء ترکه اش محسوب می شود، به طوری که بین ورثه تقسیم شده و همسر او سهم خود را می برد یا آن که ملک زوجه است؟

ج. اگر جواهرات در اختیار و تحت تصرف همسرش باشد به طوری که در آن ها تصرفات مالکانه داشته باشد، حکم به ملکیت آن جواهرت برای او می شود مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

س ۱۷۲۳. آیا هدایایی که در طول زندگی زناشویی زن و شوهر به آنان هدیه می شود، ملک شوهر است یا زن و یا هر دو؟

ج. مسأله با اختلاف هدایا از این جهت که مختص مردان باشد یا زنان یا این که قابل استفاده برای هر دو باشد، یا برای یکی از آنان تفاوت پیدا می کند، آن چه که بر اساس ظواهر امر به خصوص یکی از زوجین هدیه شده ملک خود اوست و آن چه که به هر دوی آنان به طور مشترک هدیه شده، ملک مشترک آنان است.

س ۱۷۲۴. آیا در صورتی که مردی زنش را طلاق دهد، جایز است آن زن اموالی را که خانواده اش هنگام ازدواج به او داده اند (مانند فرش، رختخواب، لباس و مانند اینها) از شوهرش مطالبه کند؟

ج. اگر از اشیایی باشند که زن از خانواده اش گرفته و یا از چیزهای شخصی باشند که برای خودش



خریده و یا به شخص او هبه شده باشند، ملک اوست و در صورتی که موجود باشند حق دارد آن ها را از شوهرش مطالبه کند، ولی اگر از چیزهایی باشند که از طرف خانواده یا اقوام او به دامادشان که شوهر اوست، هدیه شده باشند، نمی تواند آن ها را از شوهرش مطالبه کند بلکه اختیار این قبیل اموال در دست کسی است که آن ها را به زوج هدیه کرده است، که اگر عین آن ها باقی مانده و زوج هم از ارحام آنان نباشد جایز است هدیه کننده، هبه را فسخ کند و آن مال را پس بگیرد.

س ۱۷۲۵. بعد از آن که همسر را طلاق دادم، طلاها و زیورآلات و چیزهای دیگری را که با پول خودم و در دوران ازدواجمان به او داده بودم از وی پس گرفتم، آیا در حال حاضر تصرف در آن ها برای من جایز است؟

ج. اگر آن ها را به عنوان عاریه به همسران داده اید تا از آن ها استفاده کند و یا آن ها را به او هبه کرده اید و عین آن ها نزد همسران به همان صورت موجود است و آن زن هم از ارحام شما نمی باشد، می توانید هبه را فسخ نموده و اموال هبه شده را پس بگیرید و در نتیجه جایز است در اشیایی که از او گرفته اید تصرف کنید، و در غیر این صورت جایز نیست.

س ۱۷۲۶. پدرم قطعه زمینی را به من بخشید و سند آن را به طور رسمی به نام من کرد، ولی بعد از یکسال از کار خود پشیمان شد، آیا جایز است در آن زمین، تصرف کنم؟

ج. اگر پدرتان بعد از آن که زمین را از او تحویل گرفتید و بر آن استیلاء پیدا کردید، از هبه خود پشیمان شد و رجوع نمود، رجوع او صحیح نیست و شرعاً زمین، ملک شماست. ولی اگر پشیمانی و رجوع او قبل از قبض زمین توسط شما باشد، حق دارد از هبه خود عدول نماید و شما پس از آن دیگر در زمین مزبور حقی ندارید و مجرد ثبت سند به نام شما برای تحقق قبضی که در هبه معتبر است، کافی نمی باشد.

س ۱۷۲۷. اینجانب زمینی را به فردی بخشیدم و او هم در قسمتی از آن، خانه ای مسکونی بنا کرد، آیا جایز است عین یا قیمت آن چه را که به او بخشیده ام از او مطالبه کنم؟ و آیا جایز است آن مقدار از زمین را که ساختمان در آن بنا نکرده از او پس بگیرم؟

ج. بعد از آن که آن شخص با اذن شما زمین را قبض کرد و با ساختن ساختمان در آن تصرف نمود، دیگر حق فسخ هبه و پس گرفتن اصل زمین یا قیمت آن را از او ندارید و اگر مساحت زمین به مقداری باشد که ساخت خانه در قسمتی از آن به نظر اهالی منطقه عرفاً تصرف در همه زمین محسوب شود حق پس گرفتن هیچ مقداری از آن را ندارید.

س ۱۷۲۸. آیا جایز است شخصی همه اموال خود را به یکی از فرزندان هبه کند و بقیه را از آن محروم نماید؟

ج. اگر این کار موجب برانگیخته شدن فتنه و اختلاف در بین فرزندان شود، جایز نیست.

س ۱۷۲۹. شخصی خانه اش را به صورت هبه معوضه با سند رسمی به پنج نفر هبه کرد تا در زمین آن حسینیه بسازند به این شرط که آن را بعد از ساخت تا ده سال حبس کنند و بعد از آن اگر خواستند می توانند آن را وقف نمایند، در نتیجه آنان با کمک مردم مبادرت به ساخت حسینیه کردند و اختیار تصدی و نظارت بر حبس و امور مربوط به شروط عقد وقف، بعد از گذشت مدت مزبور وتعیین متولی و ناظر بر وقف را خودشان برعهده گرفتند و سندی هم راجع به آن تنظیم نمودند، آیا در صورتی که قصد وقف کردن حسینیه محبوسه را داشته باشند، تبعیت از



نظر آنان راجع به انتخاب متولی و ناظر بر وقف واجب است؟ و آیا عدم التزام به این شروط شرعاً محذور دارد؟ و در صورتی که یکی از آن پنج نفر با وقف حسینیّه مخالفت کند، مسأله چه حکمی پیدا می کند؟

ج. بر آنان واجب است طبق شرایطی که هبه کننده در ضمن عقد هبه معوضه بر آنان شرط نموده عمل کنند و اگر از شرطهای او راجع به کیفیت حبس یا وقف تخلف کنند، هبه کننده یا ورثه او حق فسخ هبه معوضه را خواهند داشت و اما شرطهایی که آن پنج نفر راجع به اختیار تصدّی حبس و نظارت بر آن و همچنین در مورد وقف و متولّی و ناظر بر آن مقرر و ثبت کرده اند در صورتی که با توافق هبه کننده در عقد هبه باشد به این صورت که اختیار همه آن امور را به آنان واگذار کرده باشد، التزام و عمل به آن ها واجب است و اگر بعضی از آنان از وقف کردن حسینیّه خودداری کنند در صورتی که نظر هبه کننده این بوده که آنان باهم در مورد وقف آن تصمیم بگیرند، سایر افراد حق ندارند مبادرت به وقف آن نمایند.

س ۱۷۳۰. فردی ثلث خانه شخصی اش را به همسرش بخشیده است و بعد از یک سال همه آن را به مدت پانزده سال اجاره داده و سپس فوت نموده است و فرزندی هم ندارد، آیا این هبه در حالی که خانه را بعد از هبه، اجاره داده است، صحیح است و اگر بدهکار باشد آیا باید آن را از تمام خانه پرداخت کرد یا از دو ثلث آن و سپس بقیه را طبق قانون ارث بین ورثه تقسیم نمود؟ و آیا واجب است طلبکاران صبر کنند تا مدت اجاره به پایان برسد؟

ج. اگر هبه کننده آن مقدار از خانه را که به همسرش بخشیده قبل از اجاره دادن تمام آن، هرچند در ضمن تحویل کل خانه، به قبض او رسانده و همسرش نیز از ارحام او بوده و یا هبه معوضه بوده، هبه در آن مقدار صحیح و نافذ است و اجاره فقط نسبت به بقیه آن صحیح می باشد و در غیر این صورت هبه به این دلیل که تمام خانه بعد از آن اجاره داده شده است، باطل است البته اگر اجاره دادن به قصد رجوع از هبه باشد و فقط اجاره خانه که بعد از هبه صورت گرفته است صحیح است. بدهی میّت هم باید از آن چه که تا زمان فوتش مالک آن بوده است، پرداخت شود و آن چه که در زمان حیاتش برای مدتی اجاره داده، منفعت آن در طول زمان اجاره برای مستأجر است و عین آن جزء ترکه محسوب می شود و بدهی او از آن کسر می گردد و باقی مانده آن، ارث ورثه است و تا انقضاء مدت اجاره نمی توانند از آن استفاده ای ببرند.

س ۱۷۳۱. شخصی در وصیتنامه اش نوشته است که همه اموال غیر منقول او متعلق به یکی از فرزندانش باشد به این شرط که تا زمانی که زنده است هر سال مقداری برنج در برابر آن اموال به او و خانواده اش بدهد، سپس بعد از گذشت یک سال همه آن اموال را به او بخشید، آیا این وصیت به علت تقدّم همچنان اعتبار دارد و در نتیجه در ثلث آن صحیح است و باقی مانده اموال بعد از موت او به همه ورثه به ارث می رسد؟ یا آن که وصیت با تحقق هبه بعد از آن باطل می شود؟ ( قابل ذکر است که اموال مزبور در اختیار و تحت تصرّف موهوب له هستند.)

ج. اگر هبه که بعد از وصیت صورت گرفته با قبض و استیلاء بر مال هبه شده در زمان حیات هبه کننده و با اذن او محقق و قطعی شده باشد، وصیت که قبل از هبه صورت گرفته است، باطل می گردد زیرا هبه، رجوع از وصیت محسوب می شود، در نتیجه مال هبه شده، ملک فرزند است و بقیه ورثه در آن حقی ندارند و در غیر این صورت تا زمانی که عدول موصی از وصیت احراز نشده باشد،



## وصیت اعتبار دارد.

س ۱۷۳۲. آیا جایز است وارثی که سهم خود را از ارث پدرش به دو برادر خود بخشیده است، بعد از چند سال آن را از آنان مطالبه کند؟ واگر آن دو از بازگرداندن سهم او خودداری کنند، مسأله چه حکمی دارد؟

ج. اگر بعد از آن که هبه با قبض و اقباض محقق شده، بخواهد از هبه خود رجوع کند، چنین حقی را ندارد، ولی اگر رجوع او قبل از قبض و اقباض باشد، صحیح و بلااشکال است.

س ۱۷۳۳. یکی از برادرانم بارضایت، سهم خود را از ارث به من بخشید، ولی بعد از مدتی قبل از آن که ارث بین ورثه تقسیم شود از هبه خود رجوع کرد، مسأله چه حکمی دارد؟

ج. اگر قبل از تحویل سهم الارث خود به شما از هبه رجوع کند، صحیح است و شما حقی در آن چه که به شما هبه کرده است ندارید، ولی اگر بعد از آن که آن را قبض کردید از هبه خود رجوع کند، اثری ندارد و او در آن چه به شما بخشیده است حقی ندارد.

س ۱۷۳۴. زنی زمین مزروعی خود را به شخصی بخشیده است تا بعد از موتش به نیابت از او فریضه حج را به جا آورد، به این گمان که حج بر او واجب شده است، ولی اقوام او با وی موافق نیستند. سپس برای بار دوم زمین را به یکی از نوه های خود هبه نمود و یک هفته بعد از هبه دوم فوت کرد، آیا هبه اول صحیح است یا هبه دوم؟ موهوب له اول، نسبت به انجام فریضه حج برای او چه تکلیفی دارد؟

ج. اگر شخص اول از ارحام هبه کننده بوده و عین موهوبه را با اجازه او قبض کرده باشد، هبه اول صحیح و لازم بوده و واجب است از طرف آن زن فریضه حج را انجام دهد و هبه دوم فضولی و متوقف بر اجازه موهوب له اول است، ولی اگر از اقوام آن زن نباشد و یا عین موهوبه را از او تحویل نگرفته باشد، هبه دوم صحیح است و رجوع از هبه اول، محسوب می گردد و بر اثر آن هبه اول، باطل می شود، در نتیجه شخص اول حقی در زمین ندارد و واجب نیست از طرف هبه کننده فریضه حج را به جا آورد.

س ۱۷۳۵. آیا حق قبل از ثبوت، قابل هبه است؟ آیا اگر زن حقوق مالی خود را که در آینده از آن برخوردار می شود، هنگام عقد به شوهرش ببخشد، صحیح است؟

ج. در صحت این قبیل هبه ها، اشکال و بلکه منع وجود دارد. در نتیجه اگر هبه حقوق آینده آن زن به شوهرش به صلح یا به شرط اسقاط آن ها بعد از ثبوت برگردد، اشکال ندارد و الا هیچ فایده و اثری ندارد.

س ۱۷۳۶. گرفتن یا دادن هدیه به کفار چه حکمی دارد؟

ج. فی نفسه مانعی ندارد.

س ۱۷۳۷. شخصی در زمان حیاتش همه اموال خود را به نوه اش بخشیده است، آیا این هبه نسبت به همه اموالش حتی آن چه که باید بعد از مردن او خرج کفن و دفن و امور دیگر شود، نافذ است؟

ج. اگر اموال هبه شده بعد از هبه و در زمان حیات هبه کننده و با اذن او قبض شده باشند، هبه



نسبت به تمام آن چه که قبض شده، نافذ است.

س ۱۷۳۸. آیا اموالی که به جانبازان و مجروحین جنگ پرداخت می شود، هدیه محسوب می گردد؟

ج. بله. مگر آن چه که در برابر کار به بعضی از آنان پرداخت می شود که اجرت کار آنان است.

س ۱۷۳۹. اگر هدیه ای به خانواده شهیدی تقدیم شود مال ورثه است یا کفیل و یا ولیّ آنان؟

ج. بستگی به نیت هبه کننده دارد.

س ۱۷۴۰. برخی از شرکت ها یا شخصیت های حقیقی و حقوقی داخلی یا خارجی به بعضی از وکیل ها و واسطه ها هنگامی که اقدام به خرید و فروش کالا یا عقد قراردادهای صنعتی می کنند، هدیه هایی را می دهند، با وجود این که احتمال دارد گیرنده هدیه به نفع هدیه دهنده عمل کند و یا تصمیمی به نفع او اتخاذ نماید، آیا شرعاً جایز است این هدیه ها را از او قبول کند؟

ج. وکیل یا واسطه در خرید و فروش و عقد قرارداد نباید از طرف دیگر در برابر معامله با او هدیه بگیرد.

س ۱۷۴۱. اگر هدیه هایی که توسط شرکت ها یا اشخاص داده می شود در برابر هدیه ای باشد که از بیت المال به آنان داده شده است، چه حکمی دارد؟

ج. اگر عوض هدیه ای باشد که از بیت المال داده شده، باید به بیت المال داده شود.

س ۱۷۴۲. اگر هدیه در گیرنده آن تأثیر بگذارد و موجب برقراری ارتباطات نامناسب و یا روابط مشکوک امنیتی شود، آیا گرفتن آن هدیه و تصرف در آن جایز است؟

ج. گرفتن این هدیه ها جایز نیست بلکه واجب است از قبول آن ها خودداری شود.

س ۱۷۴۳. اگر احتمال داده شود که هدیه برای ترغیب و تشویق گیرنده آن برای انجام تبلیغات به نفع هدیه دهنده است، آیا گرفتن آن جایز است؟

ج. اگر تبلیغات مورد نظر از جهت شرعی و قانونی جایز باشند، اشکال ندارد و قبول هدیه در برابر آن هم بدون مانع است. البته در محیط های اداری این امر تابع قانون و مقررات مربوطه می باشد.

س ۱۷۴۴. در صورتی که هدیه برای چشم پوشی و تعافل و عدم مخالفت و یا برای جلب موافقت مسئول نسبت به انجام بعضی از امور باشد، قبول هدیه چه حکمی دارد؟

ج. قبول این قبیل هدیه ها اشکال دارد و بلکه ممنوع است. به طور کلی اگر تقدیم هدیه به قصد دستیابی به هدفی خلاف شرع و قانون و یا به منظور ایجاد تمایل در مسئول قانونی به موافقت با چیزی که حق موافقت با آن را ندارد، صورت بگیرد، گرفتن آن هدیه جایز نیست بلکه واجب است از قبول آن خودداری شود و بر مسئولین هم واجب است از آن جلوگیری نمایند.

س ۱۷۴۵. آیا جایز است جدّ پدري، همه یا بخشی از اموال خود را در زمان حیاتش به همسر فرزندش که از دنیا رفته و به فرزندان او بیخشد؟ آیا دختران او حق اعتراض به این کار را دارند؟



ج. او حق دارد که در زمان حیاتش هر چه را بخواهد به نوه های خود و یا همسر پسرش ببخشد و دختران او حق اعتراض به کار او را ندارند.

س ۱۷۴۶. شخصی فرزند و خواهر و برادر و پدر و مادری ندارد و می خواهد اموال خود را به همسر یا اقوام او هبه کند، آیا شرعاً این کار برای او جایز است؟ آیا این کار مقدار مشخص و معینی دارد یا این که می تواند همه اموالش را هبه کند؟

ج. مانعی ندارد که مالک در زمان حیاتش همه یا قسمتی از اموالش را به هر کس که می خواهد اعم از وارث و غیر وارث ببخشد.

س ۱۷۴۷. بنیاد شهید مقداری پول و مواد غذایی جهت برگزاری مجلس فاتحه و یادبود فرزند شهیدم در اختیار من قرار داده است، آیا گرفتن آن ها تبعات اخروی برای من بدنبال دارد؟ آیا موجب کم شدن ثواب و اجر شهید خواهد شد؟

ج. اشکال ندارد که خانواده های عزیز شهدا آن کمکها را قبول کنند و تأثیری در اجر و پاداش شهید و خانواده او ندارد.

س ۱۷۴۸. یک صندوق مشترک توسط نگهبانان و کارکنان هتل ایجاد شده تا چیزهایی که به عنوان انعام به آنان هدیه داده می شود در آن جمع آوری شده و بین آنان به طور مساوی تقسیم گردد، ولی بعضی از آنان که دارای سمت ریاست و نائب رئیس هستند سهم بیشتری را مطالبه می کنند و این مسأله همیشه موجب اختلاف و تفرقه بین اعضای صندوق بوده است، حکم آن چیست؟

ج. این مسأله بستگی به قصد کسی دارد که مال را به عنوان انعام پرداخت کرده است، در نتیجه آن چه را که به شخص خاصی داده است مال خود اوست و آن چه را که به همه داده است باید به طور مساوی بین آنان تقسیم شود.

س ۱۷۴۹. اموالی مانند عیدی که به کودک صغیر هدیه داده می شوند آیا ملک خود صغیر محسوب می شوند یا ملک پدر و مادر او؟

ج. اگر پدر به عنوان ولایت بر صغیر، آن ها را قبض کرده باشد، ملک صغیر محسوب می شوند.

س ۱۷۵۰. مادری دو دختر دارد و می خواهد دارایی خود را که یک قطعه زمین کشاورزی است به نوه اش ( یعنی پسر یکی از دو دخترش ) هبه کند و در نتیجه دختر دوم او از ارث، محروم می شود، آیا این هبه او، صحیح است یا این که دختر دوم می تواند بعد از مرگ مادرش، سهم خود را از آن زمین، مطالبه کند؟

ج. اگر مادر، در زمان حیات خود، ملکش را به نوه اش، بخشیده و تحویل او داده، در این صورت، ملک از آن وی بوده و هیچ کس حق اعتراض ندارد، اما اگر وصیت کرده که بعد از او، آن ملک را به نوه دهند، وصیت او تا مقدار ثلث، نافذ بوده و در مقدار زائد آن بستگی به اذن ورثه دارد.

س ۱۷۵۱. شخصی مقداری از زمین کشاورزی اش را به پسر برادرش، هبه کرد به شرط این که او دو ربیبه خود را به عقد دو پسر هبه کننده، در آورد، ولی فرزند برادر، یکی از ربیبه ها را به عقد یک پسر در آورد اما از تزویج ربیبه دوم امتناع نمود آیا این هبه با شرط مذکور، صحیح و لازم می باشد یا نه؟

ج. این هبه، صحیح و لازم است، لکن شرط، باطل است زیرا ناپدیری ولایتی بر ربیبه ها ندارد بلکه ازدواج آنان، در صورتی که پدر یا جد پدری نداشته باشند، منوط به رضایت خودشان است. بلی، اگر مراد از شرط مذکور این است که پسر برادر با گفتگو و مذاکره، رضایت ربیبه ها را برای



ازدواج با پسران آن شخص، جلب کند، شرط صحیح و وفاء به آن لازم است و اگر به شرط عمل نکند هبه کننده، حق فسخ خواهد داشت.

س ۱۷۵۲. اینجانب یک آپارتمان مسکونی دارم که آن را به نام دختر صغیرم کردم، بعد از آن که مادر او را طلاق دادم از هبه خود رجوع نموده و قبل از رسیدن او به سن هجده سالگی آن را به نام پسری که از همسر دوم خود دارم نمودم، این مسأله چه حکمی دارد؟

ج. اگر ملک را حقیقتاً به دخترتان هبه کرده اید و آن را به ولایت از او قبض نموده اید، هبه لازم است و قابل فسخ نیست، ولی اگر هبه حقیقی محقق نشده باشد، بلکه فقط سند آن را به نام دخترتان کرده باشید این برای تحقق هبه و حصول مالکیت برای او کافی نیست، بلکه آن آپارتمان ملک شماست و اختیار آن نیز در دست شما می باشد.

س ۱۷۵۳. اینجانب بعد از ابتلا به یک بیماری شدید، همه املاکم را بین فرزندانم تقسیم کرده و سندی راجع به آن برای آنان تنظیم نمودم و بعد از بهبودی به آنان مراجعه کرده و درخواست نمودم که مقداری از اموالم را به من برگردانند، ولی آنان از انجام این کار خودداری نمودند، این مسأله چه حکمی دارد؟

ج. مجرد نوشتن سند برای حصول ملکیت برای فرزندان کافی نیست در نتیجه اگر اموال و املاک خود را به آنان هبه کرده و تحویل آنان داده اید به طوری که در اختیار و تحت تصرف مالکانه آنان قرار گرفته باشد، حق رجوع نسبت به آن را ندارید، ولی اگر اصلاً هبه ای صورت نگرفته و یا بعد از هبه قبض و اقباض انجام نشده باشد، آن اموال بر ملکیت شما باقی هستند و اختیار آن ها با شماست.

س ۱۷۵۴. شخصی در وصیت نامه اش آن چه را که در منزل دارد به زنش بخشیده است و در خانه کتابی هم به خط موصی وجود دارد، آیا همسر او علاوه بر ملکیت این کتاب، مالک حقوق ناشی از آن مانند حق چاپ و نشر هم می باشد یا این که ورثه دیگر هم نسبت به آن سهمیم هستند؟

ج. حق چاپ و نشر کتابی که تألیف شده تابع ملک آن است، بنا بر این کسی که مؤلف در زمان حیاتش کتاب خود را به او هبه کرده و تحویل او داده است و یا وصیت کرده که متعلق به او باشد، کتاب بعد از وفات مؤلف، متعلق به آن شخص است و همه امتیازات و حقوق آن هم اختصاص به او پیدا می کند.

س ۱۷۵۵. بعضی از ادارات و مؤسسات به مناسبت های مختلف هدایایی را به کارمندان خود می دهند که جهت آن معلوم نیست، آیا جایز است کارمندان آن را گرفته و در آن تصرف کنند؟

ج. در صورتی که هدیه دهنده بر اساس مقررات دولتی صلاحیت و اختیار آن را داشته باشد، دادن هدیه از اموال دولتی مانعی ندارد و اگر دریافت کننده احتمال قابل توجهی بدهد که هدیه دهنده این صلاحیت و اختیار را دارد، اشکال ندارد که آن را از او بگیرد.

س ۱۷۵۶. آیا در قبض هبه از هبه کننده، مجرد دریافت هبه از او کافی است یا آن که علاوه بر آن باید هبه را مخصوصاً در مواردی مانند ماشین، خانه، زمین و مانند آن به نام آن شخص ثبت نماید؟





ج. منظور از اشتراط قبض در هبه، نوشتن قرارداد و امضای آن نیست، بلکه مقصود این است که آن مال در خارج در اختیار و تحت تصرف او قرار بگیرد و همین برای تحقق هبه و حصول ملکیت کافی است و فرقی بین اموالی که هبه می شوند، وجود ندارد.

س ۱۷۵۷. شخصی مالی را به مناسبت ازدواج یا تولد و یا امور دیگر به فرد دیگری هدیه داده است و بعد از گذشت سه یا چهار سال می خواهد آن ها را پس بگیرد، آیا برگیرنده هبه واجب است آن ها را به او برگرداند؟ و اگر شخصی مالی را برای مراسم عزاداری یا جشن های تولد ائمه (علیهم السلام) بدهد، آیا حق دارد بعد از آن، اموال مزبور را پس بگیرد؟

ج. تا زمانی که عین هدیه نزد آن شخص به حال خود باقی باشد، جایز است هبه کننده، آن را مطالبه کند و پس بگیرد، به شرطی که او از ارحام هبه کننده نبوده و هبه هم معوضه نباشد، ولی در صورت تلف شدن هدیه یا تغییر آن، نسبت به آن چه در زمان هبه به آن صورت بوده، حق مطالبه هدیه و یا عوض آن را ندارد و همچنین پولی را که انسان به قصد قربت و برای رضای خدا، بدهد حق پس گرفتن آن را ندارد.